

کدام سایه از آبی ها

دفتری از شعرهای شیرین رضویان

چاپ نخست، انتشارات آسا

لندن ۲۰۰۹

کدام سایه از آبی ها، تازه ترین دفتر شعر شیرین رضویان، شاعر مقیم انگلستان است که اخیراً دریافت شده است. از این شاعر پرونمرزی تاکنون، افزون بر یک سی دی بنام سینه سرخ مشتمل بر دکلمه ها و سروده ها با صدای شاعر، دفترهای "از واژه تا پندار" - "جهان بینی محزون صدف" و "غزل های شیرین" تاکنون چاپ و منتشر شده اند. مجموعه ی "سقوط آزاد" از این شاعر عزیز به زبان انگلیسی چاپ شده و مجموعه ی دوم نیز در دست چاپ و انتشار است. مجموعه های پیشین را صاحب این قلم ندیده تا در این بررسی اجمالی بتواند آهنگ حرکت شعر او را در سنجش با دفتر حاضر، حدس بزند. براین پایه، "کدام سایه از آبی ها" تنها مجموعه ی در دسترس در این بررسی اجمالی است. این دفتر مشتمل بر ۲۰۹ صفحه به فارسی است که ۴۵ صفحه از شعرهای شاعر به انگلیسی نیز به آن اضافه شده است. شعرهای فارسی این دفتر مشتمل بر دو بخش شعرهای مدرن تا ص ۱۸۲ و شعر کلاسیک (غزل) از ص ۱۸۳ ببعده است. آغازگر این دفتر شعری است که نام مجموعه نیز برگرفته از آن است و نگاه و خاستگاه شاعر را در این

عرضه کم و بیش نشان می‌دهد. شعر، بقدر کفایت فشرده است و خواننده را از گذرگاه‌های کوتاه که مورد نیاز خواننده‌ی معاصر است، با این مطلع آغاز:

باز اشک
این آب افشرد ی
دو میوه ی حزین تنهایی ست
که شفاف و شور
از پشت شیشه
به شب سلام می‌گوید

و با این مقطع بی هیچ توقفی در ایستگاه‌های بین راه، به مقصود می‌رساند:

دریا
در کاغذم
دهان باز می‌کند

شعر شیرین رضویان در یک نگاه کلی، شعری معترض است. به موقعیت موجود باور ندارد و آن را به شیوه ی مرسوم به نقد می‌کشد. شیوه ی بیان این نقد، البته زبانی است که در چند دهه ی اخیر، زبان مجاز اهل اندیشه است. زبانی زیر فشار و لذا به غایت استعاری و پوشیده که با مخاطب به رمز سخن می‌گوید:

مرواریدی
در گلویم گیر کرده است

...

فریاد هجوم آه است

می دانی؟

هوا هیچگاه

بی مدد گلوی تو

صدا نخواهد شد - ص ۴

این شیوه دیگر، گویی ذاتی شاعر معترض شده است حتا اگر از سیطره‌ی جغرافیای فرهنگی - سیاسی مسلط نیز، دور شده باشد. این زبان استعاری، در نوع بسامان خود، که شعر شیرین رضویان نیز از آن جمله است - شاید نخواهد تا حذف بختکی که قرن‌هاست بر اندیشه و زبان او سایه افکنده، غیر از این سخن بگوید.

با سکوت

فریاد می‌زنم اینک

فریاد می‌زنم

و صدایم نمی‌رسد

به این گوش‌های گرفته

این سینه های سرد

این چشم های کم عمق بی مهر ص ۱۴۳

این را البته باید به زمانش وا گذاشت که شعر، از منظری دیگر زبان بگشاید و موقعیت تازه اش را، در پیوند با محیط پیرامون، دریابد، اما تا اندیشه و مدار در این دایره می چرخد، شعر از سنگر خویش بیرون نمی آید

من ماه را

پشت پنجره تفسیر می کنم

من اشک را

تجزیه می کنم

به دو عنصر نمک و آب

و آنچه می ماند

حسرتی ست

که آه می شود ص ۲۶

خاک بر سرت

ذلیل بمیری

معصومه

بختات سیاه بود ص ۲۸

شعر شیرین رضویان، به لحاظ نوع و ماهیت و محتوا، در شعر اجتماعی نیز قابل طبقه بندی است. نگاه شاعر به مسائل اجتماعی نیز نگاهی جدی، جستجوگر و پویاست و تا کشف و ابلاغ سوژه، پیش می‌رود. بسامد این ویژگی تا آنجاست که می‌تواند بعنوان مشخصه ی اجتماعی شعر شیرین رضویان، به حساب آید:

شما بخندید
شما سبز باشید و
نبینید
نبینید
[که] زیر پاهاتان
علف ها گندیده اند
شما مست باشید و
ندانید
که ریشه های افاقی
سیاه می‌شوند ص ۴۰

تصویر که حاصل نیروی تخیل است و به باور من از برجستگی های اساسی شعر مدرن است، در شعر شیرین رضویان نمودی آشکار دارد. گشت و گذاری کوتاه در شعرهای این دفتر، شمار قابل ملاحظه‌ای از این ویژگی را به دست می‌دهد:

و خدا
آن بالاها
چای می نوشد و
به روی ما لبخند می زد
و قناری کوچکی
که می خواست بگریزد و
ستاره شود
اما آشیانش را
در تابستان سینه ی من یافت ص ۶۹

و نیز این حس آمیزی زیبا در همان شعر:

و در مردمکانت
دو قطره عسل
می درخشد بازیگوش
و شیرین می شوی
انگار
خورشید نوشیده ای
و بهار نارنج پوشیده ای
و نسترن خندیده ای

عدد هفت در ادبیات کلاسیک گویی جایگاهی ویژه دارد: هفت پیکر نظامی - هفت اورنگ جامی - هفت حصار خواجه عبدالله انصاری - هفت وادی عشق و... مولانا در باب عطار فرمود:

هفت شهر عشق را عطار گشت
ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

که مراد از هفت شهر عشق نیز اشاره به هفت وادی طلب - عشق - معرفت - استغنا - توحید - حیرت و فقر فناست. باری - شیرین رضویان در شعری که "هفت" نام دارد، شاید بر همین پایه برای ادای مقصود، سود جسته است:

هفت ساعت برای خواب باقی ست
هفت روز برای زندگی کافی ست
هفت ستاره برای شبم
هفت ماهی رنگارنگ
برای هر برکه ی تنها
هفت پولک برای پاهای من
تا پری دریایی شوم
و در هفت دریا

در پی گنجینه ای غوطه زنم ص ۸۵

شعر رضویان، شعری زمینی است یعنی، ریشه در همین آب و خاک و هوای موجود دارد. چیزی را به جهان باقی موکول نمی‌کند! مطالبات او، مطالباتی این جهانی است که به نمایندگی از مخاطب آن را طلب می‌کند. شعر "صدای دریا در صدف" در ص ۱۱۶ ناظر بر این معناست. نقل تکه‌هایی از این شعر، به دلیل انسجام معنایی خوبی که در تن شعر جاریست، مقدور نیست و نیز نگاه کنید به شعر معلم ص ۱۱۳ و "سکه‌ی آزادی" ص ۹۱ و این آغاز زیبا در ص ۹۷

تنها پروانه را نسرودم

و شقایق‌ها را

من فرسایش کوه را نسرودم

و تلاطم دریا را

و عشق را

که زیر باران می‌دوید

شعر سیاسی، پدیده‌ی کمیابی است. بسیاری از آثاری که از دامنه‌ی محدود شعار فراتر نرفته‌اند، در حوزه‌ی شعر سیاسی باقی مانده‌اند. شعر سیاسی به معنای حقیقی خود، همچنان درحوزه و عرصه‌ی هنر نفس می‌کشد یعنی، ضمن ابلاغ پیام هدفمند خود، اثری بدیع نیز خلق می‌کند. این البته کار ساده‌ای نیست و به روی لبه‌ی تیغ راه رفتن می‌ماند و

مرز بین شعر و شعار را، ترسیم می‌کند. این تفاوت را شیرین رضویان در شمار قابل
ملاحظه‌ای از کارهایش به نمایش می‌گذارد. نگاه کنید به شعر خواب نیلگون به ویژه مقطع
آن در ص ۱۲۰

هزار قوی سپید
از میان بالش من
پر می‌کشند
سوی آزادی!

یا:

من سوگوار تو گشته ام
که قصه‌ی اندوه بی‌صدایت را
هیچکس نگفت
چنانکه باید و شاید

و نیز شعرهای دیگری چون: باسکوت ۱۴۳- رهروان سنگ ۱۴۵- کجا نوشته است ۱۶۷-
گاهواره‌ی درد ۱۷۶ دستهای من ۱۸۱
کدام سایه از آبی‌ها، از شعر مدرن (آزاد) مستقیماً به شعر کلاسیک می‌رود. برای نویسنده‌ی
این سطور بیش از این البته آشکار بود که شیرین رضویان نمی‌تواند این ظرافت در اندیشه

و بیان را، بی گلگشتی در شعر کلاسیک به سرانجام رسانده باشد. این ویژگی در انگشت شماری از شاعران زن ما به چشم می‌خورد از جمله "م.پگاه" که این قلم دو دفتر از شعرهای مدرن و کلاسیک او را پیش از این، در فصلنامه بررسی کتاب بر رسیده است. غرض اینکه، به باور من، رسیدن از شعر کلاسیک به مدرن، عمدتاً پایانی خوش دارد و غزل‌های شیرین رضویان که از ص ۱۸۴ به بعد کتاب را در بر می‌گیرد، دلبستگی او را به اوزان کلاسیک نشان می‌دهد و اینکه او، در این عرصه نیز از عهده برآمده است. به دو بیت آغازین یکی از غزل‌ها نگاه می‌کنیم:

ستاره کی دمد آخر به بام خانه ی ما
شکوفه می‌دهد آیا دگر جوانه ی ما
در این کرانه‌ی خاموش بشکند آیا؟
صلای رهگذری ظلمت شبانه‌ی ما

ص ۱۹۶

فرم و قالب در اینگونه شعرهای شیرین رضویان، هرچند که کلاسیک است، کلام و نیز محتوا، از جنس امروز است. برخی رویکردهای کلامی، چون تکرار برخی حروف که موجد نوعی موسیقی است، به زیبایی برخی ابیات افزوده است:

ز دست خلق و ز دست خداهش خسته شدم
از این زمانه و از این خدعه هاش خسته شدم

ز شیخ و شاعر و شاه و شهید و شهرت خواه
که گشته اند همه یک قماش خسته شدم

ص ۱۹۰

این نوع شگرد زبانی را در برخی کارهای فرخی یزدی نیز پیش از این دیده ایم:

شهری که شه و شحنه و شیخ اش همه مستند
شاهد شکند شیشه که بیم عسسی نیست

محتوا در غزلهای شیرین رضویان، کم و بیش همان محتوای شعر مدرن اوست. به لحاظ مضمون و محتوا، بسامد موضوعات سیاسی- اجتماعی در کارهای این شاعر، به میزانی هست که تشکیل سبک یا شیوه بدهد و شعر او را شعری سیاسی معرفی کند. شعر شیرین رضویان در مجموع، شعری بسامان و هدفمند است. زبان در شعر او ساده، صمیمی و روان است و درباره ای از شعرها از زبان کتابت دور و به زبان محاوره بسیار نزدیک می شود. اکثریت عناصر شعر در شعر او نمودی آشکار دارند، ترکیبات تازه و بکر در شعر او قابل تشخیص اند. بازنگری سطر بندی در برخی شعرها (مدرن) اما می تواند به تأمین وزن بیشتر بیانجامد.

با آرزوی بهروزی و پیروزی برای شیرین رضویان و تمام جانهای شاعرانه و شیفته ای که در این برهوت می بالند.